

توصیف واجی گویش سیستان

حوزه مرکزی شهرستان زابل (۲)

غلامرضا عمرانی

۱-۳ طبقه‌بندی واجها

۱-۱-۳ به طوری که ملاحظه شد واجهای h و q (ق بستواجی) و نیز واج z̄ در شمار واجهای زابلی نیامده است. (عمرانی ۱۳۷۷، ص ۷۵-۸۵)

جای h را همیشه کشش واکه‌ای پر می‌کند (← ۵-۳-۱-۳-۳ و ۲۲-۱-۱-۳-۳) و بدین ترتیب در آغاز، میانه و پایان واژه، این فرایند آشکار است. حتی حذف همخوان h پایانی بر کمیت واکه پیش از آن تأثیر می‌گذارد و آن را از حد معمول کشیده‌تر می‌کند. دیدیم که مثلاً واژه «ماه mā:» از قرینه خود «mā» ضمیر اول شخص جمع» به دلیل تلفظ کشیده کاملاً قابل تشخیص است. (۲-۱۲-۲-۲)

مشخصه کشیدگی واکه در آغاز و میان و آخر واژه، بسامد فراوانی می‌یابد و خود، یک ویژگی زبانی می‌آفریند. اگر گویشور سیستانی بخواهد h و ? را ظاهر سازد، ناگزیر از کشش واکه‌ای باید چشم بپوشد چون این دو، قابل جمع شدن نیستند. در این باره ← وریهو ۱۹۶۲، ص ۲۷۸.

۲-۱-۳ z̄ بسامد زیادی در واژگان زابل و حتی سیستان ندارد. تنها در واژه‌هایی از قبیل واژه‌های

زیر ظاهر می شود:

«ژدها» aždôâ(r) و žrammâžram{m} و žram{m} «صدای ریختن آب» (نام آوا)؛ buž(žak) «ژولیده»؛ žap(p)onda: «کوفتن، با تمام قوا کوبیدن.» در کلمه اخیر نیز واج ž به سادگی با š قابل تعویض است. برخی واژه‌ها مثل مرگان و ژاله هم به شکل‌های (o) majg و jāla تلفظ می‌شوند (← ۲۳-۱-۲-۵). با توجه به این نشانه‌ها می‌توان به نبود واج ž در گویش زابل حکم کرد. نیز ← ورپهو، همان‌جا.

۳-۱-۳ واجهای زابلی از بیست و یک صامت و دوازده مصوت تشکیل شده است.

۲-۳ آرایش واجها

۱-۲-۳ تمامی صامتهای زابلی در ابتدای واژه می‌آیند:

bra «رفت»، pra: «پشته»، fi:s «تکبر، افاده»، ra:xmi «قره‌قوروت»، lančû «لاغر و مردنی»، no: «نان»، morč «لفل»، qorâzg «گراز»، xlowr «دراز گردن»، dokra «ضرب گرفتن»، ta:pok «کتک»، varam «فورا»، sârok «دیوانه»، zow «چارک خشت»، šeynak «شاهین»، ya:k «یک»، jizsak «ترکه»، ču:ri «دستبند»، gorna «گلوله نخ، کلاف نخ»، ka:l «مزرعه».

۲-۲-۳ تمامی بیست و یک همخوان زابلی در میانه واژه می‌آیند:

dabbal «کلفت و بی‌قواره (برای پوشش)»، sporz «سپرز»، a:ftow «آفتاب»، a:rrâk «رند»، ble: «بلند، بالا»، mna «مرا»، demmak «دنباله»، qor?ân «قرآن»، (بسامد این واج در میانه واژه کم است و تنها در واژه‌های دخیل می‌آید)، baqurrak «آوازهای شادی که از گلو برآید»، ma:škow «مشک آب»، ka:lgi:r «فالیز یا قطعه زمین کوچک معاف از مالیات»، owxor «آخور»، ka:dak «کدام یک؟»، peytok «کاکل»، kaval «هندوانه»، maska «کره»، bozla:ngi «جانور مردم‌آزار افسانه‌ها»، paštâra «پشته هیزم و امثال آن»، byâ «بیا»، da:jg «گره»، pa:če «نهر».

۳-۲-۳ جز واجهای y و v و ? بقیه همخوانهای زابلی در پایان کلمه می‌آیند:

qoččâq «قوی»، qip «پر و پیمان»، qeyč «نوعی هیزم سخت»، qorâzg «گراز»، xotak «سکسکه»، ta:ndur «تور»، di:l «خودنمایی، مفاخره»، kept «کتف»، tend «محکم»، pux «اخمو»، xalm «آب‌بینی»، so:b «صبح»، triz{z} «تریج، پارچه سه‌گوش بلندی که بر کنار جامه دوزند»، âf «یافت (اسم مصدر)»، âvan «هاون»، plos «ترش و اخمو»، šabowš «شبابش (بیشتر برای استهزا)»، ozz-0-nâ-0zz (?) «خواه و ناخواه».

۴-۲-۳ یازده واکه زابلی در آغاز واژه می‌آیند. البته همیشه قبل از مصوت، صامت همزه تلفظ

می‌شود:

atta «هدف مسابقه، نقطه پایان مسابقه»، a:blok «هیچ و پوچ (صفت انسان)»، ešte «چهار شاخ»، e:zom «هیزم»، orz «کینه، انتقام»، o:š «هوش»، âsmo: «آسمان»، usta:r «آن سوتر»، i:si «این طرف»، eyvo: «حیوان»، owzâr «ابزار، کالا».

۳-۲-۵ یازده واکه زابلی در میانه واژه می‌آیند:

âvan «هاون»، da:ru «درون»، âvezo: «آویزان»، ome:d «امید»، âmoxt «آمختن (اسم مصدر)»، mo:ka «مادر»، ârâi «یارا»، muš «موش»، sikkor «نوعی خارپشت بزرگ»، seyl «تماشا»، powčak «پاچه».

۳-۲-۶ دوازده واکه زابلی در پایان واژه می‌آیند:

atta «هدف و نقطه پایان مسابقه»، rafta: «رفتن»، ešte «چهار شاخ»، me: «مقیاسی برای تقسیم آب»، mondo «توقف کردم، ماندم»، go: «توپ»، kutru «توله‌سگ»، i:si «این طرف»، âvey «شبه‌جمله‌ای در بازی الک دولک (چوک)»، emšow «امشب»، grâ «گذشتن و گذراندن با تغییر همکرد»، âlâ: «آماس و ورم دمل و زخم».

۳-۲-۷ کنار هم نشستن دو همخوان در هر جای واژه‌های زابلی رواست. بیش از آن نیز بین دو واکه ممکن است:

bgofto «گفتم»، varmtrizga «می‌پرد (اختلاج عضلانی)»، darmja:ka «چروک می‌شود»، bešt «گذاشت».

۳-۲-۸ با توجه به نحوه واج آرایی در شکلهای گوناگون، می‌توان هجاهای موجود در گویش زابل را به شرح زیر نمایش داد:

۱. V, o, او = ضمیر سوم شخص مفرد	۲. V̄, o, بله - ow آب
۳. CV, me من	۴. CV̄, be, بدون - xâ که
۵. CVC, kat تخت	۶. CVC̄, ko:r, کور - pu:t لاف
۷. CVCC, pong, مانع جلوی آب	۸. CVC̄C, pušk, ترکه چوب, do:st دوست
۹. CCV, bro برو	۱۰. CCV̄, brâ, بروم - bar برویم رید رند
۱۱. CCVC, plos اخمو	۱۲. CCV̄C, truš, ترش - bdo:z بدوز
۱۳. CCVCC, knešk, اخم	۱۴. CCV̄CC, krung, گندم ریزه‌های اندک رهاشده در خرمن جای - kra:ng تخمه نیم‌جوییده، بلغور کردن دانه‌ها.

۳-۲-۹ کنار هم نشستن دو واکه و گاه بیشتر در هر جای واژه‌های زابلی رواست، بی‌آنکه واکه مرکب بسازند. در این موارد، همزه بسیار خفیفی را که بین واکه‌ها می‌آید به راحتی می‌توان به حساب نیاورد.

۱. â:â:	â:â: قید شک و تردید. (آیا) در	۲. âa	سایه sâa
۳. âa:	جمله‌های التزامی	۴. âe	می‌آیم / می‌آید / ند myâe
۵. âo	xâa:r خواهر	۶. âu	می‌آیم kâu کاهو
۷. âi	می‌آیم myâo	۸. ae	برویم / می‌آید / ند brae
۹. ae:	râi روانه، فرستادن	۱۰. ao	بروم (گونه آزاد brâ)
۱۱. au	sae:d سیّد	۱۲. ai	بروی brai
۱۳. aa	ناusk خسیس	۱۴. a:â	خانه‌ها xona:â
۱۵. a:a	saar سحر	۱۶. a:e	می‌جهد، فرار می‌کند mijja:e
۱۷. a:o	mijja:a	۱۸. a:i	می‌جهیم، فرار می‌کنیم ra:i
۱۹. a:ey	mijja:o	۲۰. eâ	عازم سفر، راهی meârd
۲۱. eao	... خانه‌های xona:ey	۲۲. ea:	مایه آرد، خمیر ترش meârd
	nmeao نمی‌آیم. گونه آزاد		من هم mea:
	۱. nmeyâ		
	۲. nmeyao		
۲۳. oâ	ازدها aẓdoâ(r)	۲۴. oa:	کاهل، تنبل koa:l
۲۵. oe	moebbali محبعلی (إخ.)	۲۶. o:i	ماه ذی‌قعدة myo:i:d (إخ.)

۳-۳ فرایندهای آوایی

در این مقایسه زابلی را با فارسی رسمی مقایسه کرده‌ایم و تفاوتی را که میان واژه‌های زابلی نسبت به واژه‌های فارسی دیده می‌شود نشان داده‌ایم.

۳-۳-۱ همگونی و دگرگونی صامت‌ها و مصوت‌ها

کنار هم نشستن دو واج، گاهی انگیزه‌ای برای تغییر یکی از آن دو می‌شود. این تغییر واجی گاه ویژگی‌های آنها را به هم نزدیک می‌کند و همگونی پیش می‌آید مثل تبدیل واژه gombad/z به

gomma:z که b لبی در کنار m لبی - خیشومی به m بدل می‌شود. و گاه آنها را از هم دور می‌کند که ناهمگونی نام می‌گیرد، همچون کلمه jegar که به jqa:r بدل شده و z و g هر دو مشخصه واکبری داشته‌اند اما در گویش زابل این g به q بی‌واک بدل شده و ویژگی مشترک واکبری را با همشین خود از دست داده است. در سنجش زابلی با فارسی رسمی این دگرگونیها دیده می‌شود:

۳-۱-۳-۱ دگرگونی صامت‌ها

		p-۱-۱-۱-۳-۳
bsa:r پسر	pesar	b ← p
bsey	pesar-e پسر (قبل از e)	
		b-۲-۱-۱-۳-۳
go:ča بچه	bačče	g ← b
gexta: بیختن، الک کردن	bixtan	
gi:va بیوه (زن شوی مرده یا طلاق گرفته)	biva/e	
mojol قاب، شتالنگ	bojul	m ← b
gomma:z گنبد	gombad/z	
spo/ak سبک ≠ سنگین و وزین	sabok	p ← b
srop سرب، همراه با جابه‌جایی واکه	sorb	
šafta:l شبدر	šabdār	f ← b (بعد از مصوت و قبل از صامت انسدادی بیواک)
kafta:r کبوتر	kabutar	
agβa:r اکبر (ا.خ)	akbar	β ← b (بعد از مصوت یا صامت)
a : βdollâ ا : عبدالله و همه اسمهای خاصی که با عبد آغاز می‌گردند.	abdollâh	
a : βlok ابله، هیچ و پوچ، دورو	abluk	
tβa : q طبق	tabaq	
tβa : r تبر	tabar	
âβest آستن (در مورد حیوانات بیشتر کاربرد دارد.)	âbestan	
zβo : زبان	zabân	

۱. در اینجا b به g بدل نشده است بلکه w فارسی میانه که در فارسی به b (گاهی g) تبدیل شده در اینجا به g بدل شده است (مجله زبانشناسی).

var بر (حر. اضه)	bar	v ← b
var برای (حر. اضه) بجز در عبارت «از برای خدا»	barâye	
va به (حر. اضه)	be	
âvi: آبی	âbi	
šorvâ شوربا	šurbâ	
vâ: باز	bâz	
		۳-۳-۱-۱-۳-واج f
qla:mpor قرنفل	qaranfol	p ← f
vaxm وقف	vaqf	m ← f
sve: سفید	safid	v ← f
klâva کلاف	kalâf	
		۳-۳-۱-۱-۵-واج t
		d ← t (بعد از مصوت یا صامت واکدار)
modba:x مطبخ	matbax	
parezdâr پرستار	parastâr	
		۳-۳-۱-۱-۶-واج d
		t ← d در مجاورت صامت بیواک و در پایان
šta: شدن	šodan	
katxodâ کدخدا - این کلمه وقتی به عنوان شاخص، قبل از اسم به کار رود مشمول حذف هم می شود katxâ	kadxodâ	
dat{t} دد، حیوان وحشی، آدم بی فرهنگ	dad	
noxot	noxod	
batta:r بدتر، گونه آزاد bata:r=	badtar	
ga:rz گرد (و خاک)	gard	'z ← d

۱. در اینجا z مبدل δ قدیمتر است (مجله زبانشناسی).

گنبد gomma:z	gombad	
خدمت xezma:t	xedmat	
دزدی duzzi	dozdi	d ← z در مجاورت z و مرز دو هجا
بدجنس bajjens	badjens	d ← z در مجاورت z و مرز دو هجا
		۳-۱-۱-۷-واج s
سروش šreš	seriš	s ← š در مجاورت š و جز آن
ماسوره mušla	mâsure	
مسجد majjed	masjed	s ← z در مجاورت z
پرستار parezdâr	parastâr	s ← z
اصغر azqa:r	asqar	s ← z در مجاورت q
		۳-۱-۱-۸-واج z
خواجه خضر xâja xa/edr	xâje xezr	z ← d ^۱
هرگز hargez	hargez	z ← s همراه با افزایش t
		۳-۱-۱-۹-واج š
ششصد šessa:d	šëssad	š ← s در مجاورت s
		۳-۱-۱-۱۰-واج y
		r ← y
گوشه و کنایه go:šowkanâra	guše-vo kenâye	
مومیایی momlâi	mumiyâ'i	y ← l
		۳-۱-۱-۱۱-واج č
چطور؟ štow	četowr	č ← š (قبل از t)
		۳-۱-۱-۱۲-واج z
هجی ijmi	hejji	j ← m
جوجه ču:ča	juje	j ← č
مجتبی moštabâ	mojtabâ	j ← š (همه جا قبل از t)
مجتهد moštae:d	mojtahed	
		j ← ž قبل از d
هجده ežda	hejda	

۱. در اینجا ض عربی به d بدل شده است (مجله زبانشناسی).

božd	bojd	
		۳-۱-۱۳-۱-۳-۳ واج k
traxida: ترکیدن	tarkidan	x ← k
agβa : r اکبر	akbar	g ← k (بعد از مصوت)
yag یک	yek	
ga:râq کلاغ	kalâq	g ← k (در آغاز یا پایان بعد از مصوت)
xug خوک	xuk	
yaqqero: یک قران	yek qerân	q ← k در مجاورت q در مرز دو کلمه
yaqquri یک قوری	yek quri	
		۳-۱-۱۴-۱-۳-۳ واج g
škâd گشاد	gošâd	k ← g (همراه با جابه‌جایی)
qorâzg گراز	gorâz	q ← g
qa:žum کزدم	gaždom	
		۳-۱-۱۵-۱-۳-۳ واج x
qarqaša نزع، مجادله، آشوب، آشوبگر	xarxaša	q ← x
		۳-۱-۱۶-۱-۳-۳ واج q
<p>x ← q فرایند بی‌واک‌شدگی بیشتر در مجاورت بی‌واک‌های t, s, č, š و گاه همراه با جابه‌جایی پیش می‌آید. این ابدال، مگر در موارد نادر، وقتی رخ می‌دهد که q پس از واکه و پیش از همخوان قرار گرفته باشد:</p>		
boxšâb بشقاب	bošqâb	
exš/ešx عشق	ešq	
na:šx/na:xš نقش	naqš	
alx حلق	halq	
<p>۳-۱-۱۷-۱-۳-۳ واج ? (همزه یا ع) اگر در میان یا پایان واژه بیاید جای خود را به کشیدگی واکه پیش از خود می‌دهد. (با توجه به این نکته که کشیدگی واکه در گویش زابل کاربرد واجی دارد.)</p>		

شعر še:r	šeʔr	? ← :
سعی sa:(ð)	saʔy	
		۳-۳-۱-۱۸ واج m
انبان a:mo	ambân	m ← b ← کشش مصوت قبل از خود
		۳-۳-۱-۱۹ واج n
qla:mpor	qaranfol	m ← n در مجاورت f
ja:ndam جهنم	jahannam	n ← d (دگرگونی یکی از دو n به d)
		۳-۳-۱-۲۰ واج l
گلاغ ga:râq	kalâq	r ← l
قرنفل qla:mpor	qaranfol	
شلال، کوک درشت šlâr	šalâl	
		۳-۳-۱-۲۱ واج r
دیوار de(:)vâl	divâr	r ← l
مرهم mala:m	marham	
alafa روز نهم ذی حجه و در زایل روز قبل از هر عید معتبر	arafe	
پروار palvâr	parvâr	
ماسوره mušla	mâsure	
خرگوش xa:lgošk	xarguš	
<p>۳-۳-۱-۲۲ واج h این واج - چون در گویش زایل وجود ندارد - جای خود را به کشیدگی واکه پیش از خود می‌دهد. این در صورتی است که در میانه یا پایان واژه فارسی قرار داشته باشد. در ابتدای واژه بی هیچ اثری حذف می‌شود (در یکی دو مثال به x بدل شده است). (← ۳-۱، ۳-۳-۱-۲۲، ۳-۱-۵)</p>		
		h ← : کشش مصوت قبل
ماه mâ:	mâh	

ma:tow/ma:xtow مهتاب (گونه آزاد)	mahtâb	x ← h
ma:kam/moxkam محکم	mohkam	
xastak هسته	haste	
mazâq مزاح، شوخی	ma/ezâh	q ← h
۳-۱-۳-۳ واج ž این واج تقریباً بیش از هر مورد دیگر به z بدل می‌شود:		
jâla ژاله، تکرگ	žâle	j ← ž
majja/majg مزه	može	
raj(j)a رزه	reže	
pašmarda پژمرده	pažmorde	š ← ž

۲-۱-۳-۳ دگرگونی مصوتها

۱-۲-۱-۳-۳ دگرگونی a

۱-۱-۲-۱-۳-۳ تبدیل e به a قبل از n

xenda خنده	xande
renda رنده	rande
benda بنده	bande
nem{m} نم، مرطوب	nam
me من (از *men)	man
seng سنگ	sang

۲-۱-۲-۱-۳-۳

a ← a این دگرگونی جز استثناهای ناگزیر و موارد ایجادکننده ابهام تابع دو قاعده زیر است:

الف) اگر آرایش صامت‌ها و مصوت‌ها در فارسی به شکل CVCVC باشد و یکی از واجهای y, r, l, v, m, ? در آغاز کلمه قرار نداشته باشد، گویشور زابلی، آن را به شکل CCVC درمی‌آورد. واکه‌های این گروه نباید جز a باشند، از قبیل پدر pedar و ستم setam.

نمونه‌ها:

طلب tla:b	talab
نود nva:d	navad
قلم qla:m	qalam
تبر tβa:r	tabar
قدم qda:m	qadam
سباد sβa : d / سباد یا sva:d	sabad
خبر xβa : (r)	xabar
شکاف tra:k/x ترک، شکاف	tarak

ب) واژه‌های فارسی دارای آرایش واجی CVC(C) با کشیدگی واکه به شکل $\overline{CVC}(C)$ با کشیدگی واکه به شکل $\overline{CVC}(C)$ درمی‌آیند:

da:r	dar
sa:r	sar
sa:g	sag
qa:m	qam
da:rd	dard
xa:r	xar
ra:d	rad

نکته ۱: واژه‌هایی با آرایش CVCC در فارسی، خود دارای اندازه‌ای کشیدگی ناگزیر مصوت هستند، اما این کشیدگی در گویش زابل بیشتر می‌شود.

نکته ۲: اگر واژه‌های گروه الف و ب واژه مرکبی دارای دو a: بسازند معمولاً کشش نخستین a: حذف می‌شود، مگر در جایی که کشش، حاصل از حذف h و 'باشد، چون در حالت عادی، اجتماع دو a: در یک واژه، گرچه غیرممکن نیست، نادر است. مثال qdam-ka:š راه رفتن سریع و sar-da:rd سردرد.

نکته ۳: در کلیه مواردی که کلمه مشمول این تغییرات با کلمه موجودی از زابلی یکسان می‌گردد تبدیل در آن صورت نمی‌گیرد، مانند موارد زیر:
kalak که در صورت تبدیل با واژه زابلی klak به معنی فک پایین اشتباه می‌شود.

zar که با واژه za:r به معنی سم اشتباه می‌شود.
 bad که با واژه ba:d به معنی پس و سپس اشتباه می‌شود.
 sahar باید طبق این قاعده ابتدا به صورت sha:r و پس از حذف h به صورت sa:r درآید اما چون با واژه sa:r به معنی کله و رأس اشتباه می‌شود لذا به صورت saar تلفظ می‌شود.
 واژه‌های varam و lagad نیز به دلیل تنافر التقای همخوان‌های نزدیک به هم، پس از حذف مصوت، مشمول تبدیل واقع نمی‌شوند.

۳-۱-۲-۱-۳-۳ a ← o (بیشتر در مجاورت m)

زبان فارسی	گویش زابل
čangâl	čongol انگشت دست و پا
matbax	modba:x مطبخ
maslahat	mosla:at مصلحت

۳-۱-۲-۱-۳-۳ â ← a

nâmzad	nomzâd نامزد
xastu	xâsti اعتراف
davidan	dâvida: دويدن
javidan	jâvida: جویدن

۳-۱-۲-۱-۳-۳ a پایانی

در کلمات پایان یافته به a، در صورت اضافه شدن به مضاف‌الیه یا صفت a به e بدل می‌شود:
 y + a «میانجی» e + «کسره» e ← -e به بیان دیگر a پسین به e بدل می‌شود.

خانه (xo:na)	خانه شما (xo:ne šmâ)
--------------	----------------------

۳-۱-۲-۱-۳-۳ اگر به کلمه پایان یافته به a علامت جمع â اضافه شود و این کلمه با کسره اضافه به مضاف‌الیه یا صفت اضافه شود، $\hat{a}+a$ به a بدل می‌شود و پس از کسره اضافه نیم مصوت y اضافه می‌شود. در این صورت کشش واکه‌ای اول هم می‌افتد (در صورت داشتن):

xona:ey šmâ

۳-۱-۲-۱-۳-۳ اگر کلمه پایان یافته به a با پیوند همپایگی o با واژه آغاز شده به همخوان، همپایه شود، $\bar{o}+a$ به ow بدل می‌شود:

(xo:now go:ča) خانه و بچه ($\leftarrow go:ča+o+xo:na$)

(gošnow tošna) گرسنه و تشنه ($gošna+o+tošna$)

۳-۱-۲-۲-۳-۳ دگرگونی واج e

a←e

الف) تمام واژه‌هایی که در فارسی قدیم به a ختم می‌شده‌اند، امروز نیز در زابلی به همین مصوت ختم می‌شوند، مانند:

(e)stâra setâre

palla pelle

grafta gerefte

ب) مصوت آغازی پسوند estân در زابلی به a (asto:) بدل شده است:

golasto: golestân

owqonasto: afqânestân

ج) واژه‌های زیر نیز از نظر تلفظ با فارسی تفاوت دارند:

ašâgard در پازند	šâgard	šâgerd
چاکر	čâkar	čâker
	karm	kerm
yag, ya:k, yak{k} (در توزیع تکمیلی‌اند) بدون معدود ya:k;		yek
با معدود yag{k}; قبل از واکه yak{k}		
سکه sakka		sekke
پله palla		pelle
پلک palk		pelk

be	βa یا va به
gerd	gard گرد، مدور
se tâ	sattâ سه تا
seyek	sayak سه یک و همه اعداد کسری که آخرشان (یک) باشد.
čekke	čakka چکه
gereftan	grafta: گرفتن

۳-۳-۱-۲-۳ دگرگونی واج o

a ← o در واژه‌های زیر:

pošt	پشت pašt
sabok	spak{k} سبک / گونه آزاد spok{k} هم دارد.
porsidan	parsida: رسیدن
mordan	marda: مردن
bordan	barda: بردن
por	par{r} پر
mozdur	mazdu:r مزدور
nošxâr	našxâr نشخوار
šod	(b)ša شد
moje	majja مزه؛ جمع majgo

a: ← o در واژه‌های زیر:

kolux	ka:lox کلوخ
čâdor	čâda:r چادر

e ← o قبل از m

dom	dem{m} دم
xom	xem{m} خم، خمره

â ← o

خوردن xârda:	xordan
خودرو xâdro:	xodru
پدرزن xâsar	xosor

u ← o

پُف puf	pof
مُشت mušt	mošt
نازک nâzuk	nâzok
دزدی duzzi	dozdi

u: ← o

du:	do
-----	----

i ← o

dinyâ	donyâ
-------	-------

ow ← o

owtâq	otâq
-------	------

۳-۱-۲-۴ دگرگونی واج â

۳-۱-۲-۴-â ← a ← این دگرگونی در دو مورد بررسی می‌شود:

الف) پایانی؛ ب) â غیر پایانی

الف) پایانی

â پایانی قبل از نشانهٔ مفعولی ra برای همگونی به a بدل می‌شود:

واژه در جمله	واژه به تنهایی
آقا را دیدم âqa ra bdi:do	آقا âqâ
فردا را برای فردا رها کن sa:ba ra bel βar sa:bâ	فردا sa:bâ

- اگر واژه محتوم به â وابستهٔ پسین (صفت یا مضاف‌الیه) بگیرد به این شکل درمی‌آید:

ey ← e + y + â

آقای بابای من هستی (= خیلی عزت و حرمت نزد من داری.) (âqey ba:bey mni.) چشمهایت
را ببند. (ča:šey xâ pot ko.)

ب) a: غیر پایانی

kašta: کاشتن	kâštan
šamida: آشامیدن	âšâmidan

۳-۱-۲-۴-â ← a:

ra:su راسو	râsu
ja:da (پس از واکه‌های کشیده، معمولاً تشدید نمی‌آید.) جاده	jâdde
a:rmo: آرمان، حسرت، اندوه	ârmân

۳-۱-۲-۴-â ← e

zeni زانو	zânu
čenak چانه	čâne

۳-۱-۲-۴-â ← ow

gowri گاری	gâri
owxor آخور	âxor
owroq آروغ	âruq
owzoqa یا ozoqa آذوقه	âzuqe

۳-۱-۲-۴-â ← o (قبل از m و l)

a:rom حرام	harâm
šom شام	šâm
čongol انگشت	čangâl

۱. ow در اینجا مبدل âb است (مجله زبانشناسی).

3-3-1-2-4-â ← o: (قبل از m)

جام jo:m	jâm
نام no:m	nâm
تمام. گونه آزاد ta:mo هم دارد. tamom	tamâm

در مورد این دو دگرگونی اخیر که بسیار گسترده است و ریهو توضیح داده است. ← و ریهو، ص ۲۷۹.

نکته اصلی این است که â قبل از صامت غنه‌ای تغییر ماهیت می‌دهد و به o/o بدل می‌شود و اگر پس از آن تنها n پایانی باشد حذف می‌شود.

3-3-1-2-5- u دگرگونی واج

o:/o ← u

این o:/o همان واو مجهول است. o و: o در توزیع تکمیلی قرار دارند. اگر پس از o:/o تنها یک صامت یا یک صامت و مصوت بیاید: o ظاهر می‌شود و در غیر آن o، زیرا وجود دو همخوان سبب کم شدن کشش می‌شود.

$$-C + \begin{cases} o : +C(V) \\ o + CC \end{cases}$$

مثالها: u ← o

زبان فارسی	گوش زابل
gušt	گوشت gošt
xorus	خروس xros{s}
suxt	سوخت soxt
emruz	emro امروز - اگر z پایانی آن بیاید طبق قاعده چنین می‌شود: emro:z و این گونه آزاد آن است.
kuft	koft و ko:ft کوفت
fulâd	فولاد follâd
gusâle	gosla و نیز گونه آزاد go:sâla
pust	پوست post
gusfand	gosfend و نیز گونه آزاد gosfe:

šurbâ	شوربا šorvâ
busidan	bosida: بوسیدن
	۱. در این شکل کشش واکه‌ای دومی (پایانی)، اولین کشش را - که طبق قاعده باید می‌داشت - حذف می‌کند.
	۲. اگر کشش واکه‌ای پایانی به هر دلیلی حذف شود طبق نمایه تلفظ می‌شود=bo:si بوسید.

o: ← u

gur	go:r گور، قبر، گورخر
zur	zo:r زور، قدرت
kur	ko:r کور، نابینا
murče	mo:r(ča) مور، مورچه
šur	šo:r مزه شور، هیجان
xoruš	xoro:š خروش
puš	po:š پوش، جلد، پوشش و لباس
nuš	no:š نوش
bur	bo:r بور، قهوه‌ای
tur	to:r تور
tup	to:p توپ
ruz	ro:z روز
nimruz	nimro[:z] نیمروز - اگر مراد ولایت سیستان باشد کامل می‌آید وگرنه برای مورد قبل شاهد می‌شود.
ku:tâh	ko:ta: کوتاه
bu	bo: بو
huš	o:š هوش
kulâb	ko:low کولاب
dust	do:st دوست
rude-pude	ro:da-po:da روده پوده
juš	jo:š جوش

jur	jɔ:r جور، نوع، منطق
xuše	xo:ša خوشه
kuč	ko:č کوچ
gul	go:l گول، فریب
nuzde	no:zda نوزده
duš	do:š دوش
tuše	to:ša توشه
rubâh	ro:bâ/a روباه
rud	ro:d رود

i ← u

jâru	jowri جارو
zânu	zeni زانو
dušine	dišna دیشب
peymudan	peymida: سنجیدن، پیمانه کردن، طی کردن

۳-۱-۲-۶ دگرگونی واج i

این مصوت در فارسی گاهی صورت تحول یافته یاء مجهول قدیم (ē) است. در اینجا نیز در زابلی قاعدهٔ o مجهول صادق است، یعنی واژه‌هایی که پس از این مصوت دو صامت دارند - چون وجود و همخوان سبب کم شدن کشش می‌شود - در آنها e و آنها که یک همخوان یا یک همخوان و واکه دارند e: ظاهر می‌شود. تعدادی استثنا نیز وجود دارد.^۱

$$-C + \begin{cases} e : +C(V) \\ e+CC \end{cases}$$

بخش قابل توجهی از این دگرگونی مربوط به جزء پیشین، mi در فعلهاست که در بخش فعل

۱. استثناء šreš «سریشم».

گفته خواهد شد و باقی واژه‌هایی است از این دست:

e ← i

rixt	rext ریخت، شکل، قیافه، اندام
pis	pesk پیسی، برص
bixtan	gexta: بیختن
bištar	bešta:r بیشتر

abrešom پرکاربرد } ← abrišam خلاف قاعده
 abre:šom کم‌کاربرد } مطابق قاعده

e: ← i

divâr	de(:)vâl دیوار
delir	dle:r دلیر
farib	fre:{b} فریب
zibâ	ze : βâ زیبا
xoršid	xorše:d خورشید
zir	ze:r زیر
piš	pe:š پیش
miš	me:š میش
šir	še:r شیر درنده، شیر آب
mix	me:x میخ
šib	še:b شیب، جنوب
sib	se:b سیب
bid	be:d بید (جانور و درخت)
niš	ne:š نیش
tiše	te:ša تیشه

بیل be:l	bil
سفید sve:	sefid
پنیر pa(:)ne:r	panir
پیچ pe:č	pič
نیک ne:k	nik
سیزده se:zda	sizde
سیصد se:sa:d	sisad
بیزار be:zâr	bizâr

u ← i

بیرون bu:ru	birun
آستین âstu	âstin
ریش ruš	ri:š
ریشخند rušxand	rišxand

۳-۱-۳-۳ دگرگونی در ترکیبها و خوشه‌های واکه و همخوان

ow ← âb ۱-۳-۱-۳-۳

زبان فارسی	گویش زابل
âb	ow آب، و نیز بیشتر ترکیبهایی که یک تکواژشان آب است.
tâb	tow تاب، پیچ
morqâbi	marqowvi مرغابی

اگر آب به معنی آبرو باشد دگرگون نمی‌شود مثل: be(:)âb به معنی بی‌شرم و بی‌آبرو، be(:)âbi

به معنای هتاکی.

ân ۲-۳-۱-۳-۳

o: ← ân

نان no:	nân
چوپان čoppo:	čupân
ایمان i:mo:	imân
اصفهان (ð)spâo:	esfahân

این دگرگونی در تمام واژه‌هایی که ân پایانی دارند اعمال می‌گردد، مگر در موارد استثنائی از قبیل:

gorvân گروهبان و بقیه درجه‌های نظامی دارای ân-	goruhbân
--	----------

و نیز: دبستان، دبیرستان (نه همیشه) زنجان (بسامد کم) گیلان، رحمان، پادگان، آبادان.

âv ۳-۳-۱-۳-۳

ow ← âv

gâv	gow گاو و همه واژه‌های مرکبی که جزء نخستشان گاو است.
dâvtalab	dowtla:b داوطلب
dâvxâh	dowxâ: داوطلب

ab ۴-۳-۱-۳-۳

ow ← ab

šab	šow شب
šabnam	šownem شبنم
šabgir	šowgi:r شبگیر، صبح زود
kabkabe	kowkowva کبکبه
šabih	šowvi شبیه [تعزیه حضرت سیدالشهدا (ع)]

âh ,aha ,ah ۵-۳-۱-۳-۳

a: ← aha,ah ,âh ,ha

ahmad	a:mad (ا.ح.)
siyâh	sya: سیاه
kah/kâh	ka: کاه
čah/câh	ča: چاه
ahl	a:l اهل، اصیل
dahan	da: دهان
hamrâh	a:mrâ: همراه
ham	a:m هم

ast, âst ۶-۳-۱-۳-۳

ast و âst ← a:z یا ez یا oz (اختیار انتخاب نیست.)

نامزد xozgâr	xâstgâr
پرستار parezdâr	parastâr
دستگیر da:zgi:r	dastgir
دستگاه da:zgâ:	dastgâh

a? ۷-۳-۱-۳-۳

a: ← a?

بعداً ba:dan	ba?dan
اعیان a:yo:	a?yân

(← ۱-۳-۳)

af ۸-۳-۱-۳-۳

ow ← af

افغان owqo:	afqân
درفش drowš	derafš
افسار owsâr	afsâr
کفش kowš	kafš

am ۹-۳-۱-۳-۳ شناسه اول شخص مفرد ماضی ساده در همه فعلها به o بدل می شود و گاهی مصوت هجای قبل از آن بلند می شود:

رفتم bra:fto	raftam
دیدم bdi:do	didam
گفتم bgofto	goftam

an ۱۰-۳-۱-۳-۳ پایانی در تمام مصدرها و آنچه شبیه به مصدر است از قبیل: گردن، دهن، دشمن و... به a: بدل می شود:

raftan	rafta: رفتن
xordan	xârda: خوردن

در این مورد چند استثناء وجود دارد:

kafan	ka:fe کفن
rowšan	ro:šey روشن
dâman	domo دامن
suzan	su:zu سوزن

n پایانی در کلمات زیر حذف نشده است:

didan	di:dan دیدن (عیادت، دید و بازدید)، نه به معنای مصدری
xoftan	xoftan وقت نماز یا خود نماز عشا
tan	tan
torkaman	torkaman

از واژه‌های دارای تنوین نیز n حذف نمی‌شود، مثل atmanâ/atman حتماً، okman/okmanâ حکماً، و aqalan و masalan.

vân ۱۱-۳-۱-۳-۳

vo: ← vân

javân	jvo: جوان
ravân	rvo: روح و روان

avad ۱۲-۳-۱-۳-۳

ea یا eya (گونه آزاد) ← avad

تنها در همین دو مورد	الف: brea برود. ب: breya:	beravad
		bšea بشود bšeya بشود

avam ۱۳-۳-۱-۳-۳

avam ← â یا ao (گونه آزاد)

تنها در همین دو فعل	$\left\{ \begin{array}{l} \text{brâ} \\ \text{brao} \end{array} \right.$	beravam
		bešavam

در مضارع اخباری فقط یک انتخاب است:

می‌روم me:râ	miravam
می‌شوم me:šâ	mišavam

avi ۱۴-۳-۱-۳-۳

avi ← ey یا ai (گونه آزاد)

برای یا brey	beravi
بشای یا bšey	bešavi

در مضارع اخباری فقط یک انتخاب است:

me:rey	miravi
me:šey	mišavi

avand/avid/avim ۱۵-۳-۱-۳-۳ در مضارع التزامی به a یا ae (گونه آزاد) بدل می‌شوند:

brae یا bra: (گونه آزاد) برویم / بروید / بروند

$$\left\{ \begin{array}{l} \text{beravim} \\ \text{beravid} \\ \text{beravand} \end{array} \right.$$

e-am ۱۶-۳-۱-۳-۳ در ماضی نقلی تمام فعلها به â بدل می‌شود:

raftâ	rafte-am
-------	----------

e-i ۱۷-۳-۱-۳-۳ در ماضی نقلی تمام فعلها به ey بدل می‌شود:

raftey	raftei
--------	--------

۱۸-۳-۱-۳-۳ e-and, e-id, e-im ماضی نقلی به a: بدل می‌شوند:

rafta:	rafte-im
	rafte-id
	rafte-and

oha ۱۹-۳-۱-۳-۳

-a: ← oha

ma:mad (پس از واکه‌های کشیده تشدید نمی‌آید)	mohammad
ma:ndes	mohandes
ma:sel (تحصیل‌دار مالیات)	mohassel

۲۰-۳-۱-۳-۳ -oʔa

a: ← oʔa

ma:an معین	moʔayyan
ma:tal معطل، منتظر	moattal

۲۱-۳-۱-۳-۳ -ow

		o: ← ow
ro:šey روشن	rowšan	
rošnâi روشنایی	rowšanâi	o ← ow
bdâv بدو. امر ۲. ش. م. از دویدن	bodow	âv ← ow
bjâv بجو. امر ۲. ش. م. از جویدن	bejow	
rušni روشنی، روشنایی، روشن	rowšani	u ← ow
gorja گوجه	gowje	or ← ow
jya:r جوهر، مرکب	jowhar	y ← ow

owhâ ۲۲-۳-۱-۳-۳

ko:n کوهان	kowhân	o: ← owhâ
------------	--------	-----------

اما کلمه sowhân که طبق قاعده بایست به شکل so:n دگرگون می‌شود، so:e(n) می‌شود تا با sâ:n (رژه) که به شکل so:n درآمد اشتباه نشود.

uyam ۲۳-۳-۱-۳-۳

me:go miguyam در فعل
mšo:ro mišuyam در فعل

o ← uyam
o:ro ← uyam

۲۴-۳-۱-۳-۳

me:ga miguyad در فعل

a ← uyad

۲۵-۳-۱-۳-۳

me:gi miguyi در فعل
mšo:ri mišuyi در فعل

i ← uyi
o:ri ← uyi

۲۶-۳-۱-۳-۳

me:ge { miguyim
 miguyid
 miguyand } e ← { uyim
 uyid
 uyand

۲۷-۳-۱-۳-۳

(در همه فعلهای ماضی ساده سه شخص جمع) bgofte { goftim
 goftid
 goftand } e ← { im
 id
 and

۲۸-۳-۱-۳-۳ a ← ?a (در آغاز کلمات)

و کلمات دیگر. a:li | ?ali

mm ← mb ۲۹-۳-۱-۳-۳

temma:l تنبل	tambal
demma دنبه	dombe
som{m} سم	somb

owri ← âru ۳۰-۳-۱-۳-۳

پارو powri	pâru
جارو jowri	jâru
دولفل سیاه، گاهی هم معنای دارو می‌دهد. dowri	dâru

ham این واژه وقتی در جایگاه قید افزایش قرار گیرد (a:) تلفظ می‌شود:

asan a: myâa = هم می‌آید

فرایند حذف m در صورت به‌کار رفتن ham در جایگاه پیوند مزدوج یا ضمیر «متقابل/توزیعی»

اعمال نمی‌شود.

a:m me myâo a:m osey = هم من می‌آیم، هم حسین

با هم برویم / ید / ند = key a:m bra:

۳۲-۳-۱-۳-۳ دگرگونی در تکواژ (ra) علامت مفعولی:

این دگرگونی در شکلهای زیر قابل بررسی است:

۱-۳۲-۳-۱-۳-۳ وقتی مفعول به همخوان ختم شود (ra) به (a) بدل می‌شود و پس از مفعول می‌آید:

de:g-a ta: ko. = دیگر را پایین بگذار.

dra:xt-a baršo. = نهال را بنشان

۲-۳۲-۳-۱-۳-۳ اگر اسمی در فارسی رسمی به n ختم شده و اکنون n در گویش از آن حذف شده باشد، در حالت مفعولی n برمی‌گردد و در نتیجه واژه، در شمار کلمات پایان یافته به همخوان درمی‌آید:

došma: دشمن را دست کم نگیر. došmana das kam magi دشمن

o- جمع نیز تابع قاعده فوق است:

došma:nona das kam magi.. دشمنان را دست کم نگیر.

۳-۳۲-۳-۱-۳-۳ اگر مفعول به واکه ختم شده باشد (ra)ی مفعولی به شکل (ra) به دنبال آن می‌آید:

۱- اصلی â=mâ+râ→ ma ra→ ما را

۲- الحاقی = abr+hâ+râ→ abra ra → ابرها را

۳-۲-۳ افزونی

از جمله فرایندهای واجی زابلی افزونی واج یا واجهایی در بافت کلمه یا کلام است. این افزونی ممکن است به دلیل واج آرایبی اولیه مخالف نظام آوایی گویش باشد، یا برای سهولت تلفظ پیش بیاید. افزونی در گویش زابل نسبت به دگرگونی اندک است و شامل موارد زیر می‌گردد:

۳-۲-۳-۱ بیشتر صامت‌های پایان واژه‌ای، وقتی در زنجیره گفتار بین دو مصوت قرار می‌گیرند، در صورتی که مصوت پیشین آنها از نوع ow و ey یا مصوت کشیده نباشد، مشدد می‌شوند:

واژه به صورت مفرد	تغییر در زنجیره گفتار
bel بگذار	bellak بگذار
bor ببر	borrak ببر
dak ناهماری یا برآمدگی زمین	dakk-o-buk واژه همراه با تابع
dat دد، حیوان وحشی	datt-o-do:m دد و دام (مجموعه حیوانات)
kaš مص از کشیدن	kašš-o-kašâl کشمکش

اگر واژه‌ای همچون ya:k (یک) که دارای کشش مصوتی است در چنان جایگاهی قرار گیرد ابتدا کشش خود را از دست می‌دهد، سپس مشمول قاعده فوق می‌شود: yakka تنها.

۳-۲-۳-۲ از عدد‌ها، سه عدد اول اصلی چنین افزونی دارند:

«یک» وقتی پیش از واکه بیاید می‌شود: yàkke یکی، yakkâ، تنها و yakko du یک و دو (نزاع لفظی)، yakkâi به تنهایی، yakka:ka تنهای تنها.

دو و سه نیز وقتی ممیز (تا) بگیرند به این شکل درمی‌آیند: duttâ, sattâ.

۳-۲-۳-۳ برخی واژه‌های مختوم به n در پایان d می‌گیرند، مثل jend جن، neši:b/ma:nd نشین، bejend وجین، ša:nd شن، mosend مسن، badmozend بدگمان، č(ð)ma:nd چمن.

۳-۲-۳-۴ برخی واژه‌های پایان‌یافته به d در صورتی که پیش از d مصوت کوتاه یا بلند، نه کشیده، داشته باشند بین مصوت d، صامت (n) می‌آید؛ همچون rad اثر ← rand و دو فعل ri:dan ← ri:dan و ċi:dan ← ċinda: که در اینجا کشش از بین رفته است.

۵-۲-۳-۳ افزایش صامت میانجی در جمع، قبل از دو واژه *o*، *â* که علامتهای جمع‌اند، شامل انواعی است که در نشانه‌های جمع توضیح داده خواهد شد و اینجا تنها به موارد زیر اشاره می‌شود:

g مثل *čalli-g-o* کولیا، *v* مثل *la:gow-v-o* لک لکها، *n* مثل *čallo:-n-o* لوسها، نرها، *k* مثل *b/psa:r-k-o* پسران.

۶-۲-۳-۳ در زنجیره گفتار وقتی دو همخوان با واجگاه مشترک یا نزدیک به هم از پی هم بیایند بین آنها (*ð*) افزوده می‌شود:

kapp-ð-mba:ra گاز می‌گیرد.

۷-۲-۳-۳ اگر واژه‌ای با آرایش واجی پایانی VC(C) قبل از واژه‌ای با آرایش واجی آغازی CCV بیاید که توالی آن دو آرایشی همچون VC(C)CCV- پدید آرد، در مرز آن دو واژه *ð* افزوده می‌شود و در نتیجه جمله‌هایی مثل:

مرغ کرچ شده است *marq kot šta* و کارد کند و خراب شده است *kârd klanč šta* به صورت زیر درمی‌آیند:

kârd klanč ð šta, marq kot ð šta

۸-۲-۳-۳ از آنجا که فعلها، جز اندکی، به مصوت ختم می‌شوند، در صورتی که دو فعل به هم عطف شوند، پیوند همپایگی *o* بین دو جمله به شکل *no* درمی‌آید:

boge no bya:šne بگوئیم / ید / ند و بشنویم / ید / ند.

۹-۲-۳-۳ به پایان کلمه (اژدها) یک *r* اضافه می‌شود *aždoâr*.

۱۰-۲-۳-۳ هنگام همپایه شدن ضمیرهای شخصی هم - چون همه به مصوت ختم می‌شوند - حرف پیوند همپایگی *o* به *no* بدل می‌شود:

me no šmâ rafta: من و شما رفته‌ایم.

۱۱-۲-۳-۳ صامت میانجی پس از *č* یکی از سه شکل زیر است: *z/zð/ze/* که هر سه گونه آزاد همدیگرند: چه می‌گویی؟ *čez(ð/e)me:gi?*

۱۲-۲-۳-۳ صامت میانجی پس از *ow*، *v* است:

šow-vo-ro:ze var mâ nešte. (روزی برای ما نگذاشتند.)

۳-۳-۳ کاستی

دیگر از فرایندهای گویش زابل حذف برخی از واجها از واژه‌ها یا از زنجیره گفتار است که

در زیر، بخشی از آن را می بینیم:

â ۱-۳-۳-۳

â ۱-۱-۳-۳-۳ از مصدر «آشامیدن» حذف می شود:

šamida: ← âšâmidan

â ۲-۱-۳-۳-۳ پایانی پیش از ham (= قید افزایش) حذف می شود:

فارسی رسمی	←	a: «هم»:
ham		

گوش زابل

واژه در جمله

واژه به تنهایی

sa:b-a: byey «فردا هم بیایی».

sa:bâ «فردا»

- در صورتی که واج پایانی حذف نشود: â است نه â مثلاً:

davâ:a: bxari «دوا، دارو».	← {
tlâ:a: bxari «طلا هم بخری».	

برای توضیح کامل این موضوع ← ۳۲-۳-۱-۳-۳ و ← ۲-۲-۱۲-۴-۲.

â ۳-۱-۳-۳-۳ پایانی واژه هایی که در گروه اسمی به عنوان شاخص (وابسته پیشین) به کار روند - و هسته گروه اسمی با a و h آغاز شود - حذف می شود و اگر هسته با همخوان آغاز شود â به a بدل می شود. جز در مورد: ← osey+mollâ (hoseyn) که به صورت mollâ:sey درمی آید.

	←	a:li+mollâ
«ملاعلی»	←	molla:li
«استاد علی»	←	osta:li
«آقا علی»	←	âqa:li
«میرزا احمد»	←	mi/urza:mad
	←	ahmad+mirzâ

â ۲-۳-۳-۳

از واژه هایی که a پایانی دارند، در صورت اضافه شدن به صفت یا مضاف الیه، a حذف می شود و صامت میانجی هم به کار نمی رود:

نمونه فارسی:

ستاره روشن ← setâre+صامت میانجی y+نشانه کسره e+وابسته پسین

مثال زابلی:

«ستاره روشن» stâr-e ro:šey ← ro:šey+stâra
 «لانه/خانه کلاغ» xo:n-e ga:râq ← ga:râq+xo:na

e ۳-۳-۳-۳

e ۱-۳-۳-۳ نشانه اضافه

گرایش غالب زابلی بر حذف e است، اما این فرایند در موارد زیر، عملی نمی‌گردد:
 الف) اگر پس از حذف واکه، تنافر آوایی ناشی از واجگاههای مشترک یا نزدیک به هم پدید آید.
 ب) اگر هسته گروه اسمی به صامت مشدد پایان یافته باشد.
 ج) اگر بی‌فاصله، پیش از صامت پایانی هسته، مصوت کشیده یا بلند آمده باشد (ka:lo:ne) so بزرگ آنان).

موارد حذف مثال: «دست علی»، «گاوهایشان» و «پایت» pow to و gowvon šo
 e ۲-۳-۳-۳ بین ضمیر «خود» و ضمیر شخصی پس از آن همیشه حذف می‌شود:
 xod me «خودم»، xotto/xod to «خودت»، xod šo «خودشان».
 e ۳-۳-۳-۳ از آخر برخی صفت‌های فاعلی حذف می‌شود و واکه هجای قبل از آن به e بدل می‌شود:

girande → gerend	گیرنده
kanande → kanend	کننده
ravande → ravend	رونده
borande → borend	(مسهل) برنده
zanande → zanend	زننده

e ۴-۳-۳-۳ از جزء پیشین be قبل از فعلها حذف می‌شود: betakân → btako
 .beriz → bre:z, begi:r → bgi

o ۴-۳-۳-۳

۱-۴-۳-۳-۳ اگر آرایش واجی کلمه در فارسی رسمی به صورت CVCVC باشد و دو واکه آن به ترتیب o و u: باشند o از آن حذف می‌شود:

(boru:z → bru:z)	بروز
(xoru:s→xros{s})	خروس
(bolu:r→blo:r)	بلور

۲-۴-۳-۳-۳ واج o از ضمیر ۲ - ش - ج - šmâ شما حذف می‌شود.
:b ۵-۳-۳-۳

واج b نیز در پایان پاره‌ای واژه‌ها حذف می‌شود:

čū:b → čow	چوب
âsiyâb→âsiya	آسیاب
roft-o-ru:b→roft-o-ro:	رفت و روب

t ۶-۳-۳-۳

۱-۶-۳-۳-۳ در فعل: (st و ft)

گروه‌های st, ft در ۳ - ش. م ماضی ساده حذف می‌شود:

bra رفت	raft
bga گفت	goft
bagra گرفت	gereft
bašna نشست (همراه با جابه‌جایی همخوانها)	nešast
baška شکست	šekast
bja جست (جهید)	jast

ملاحظه می‌شود که واکه قبل از گروه صامت پایانی که o, e, a بوده در این روند همه جا a شده اما اگر قرار بر حذف st, ft نباشد - که آن نیز گونه آزاد است اما برای تأکید - پسوند -ak پس از st, ft افزوده شود، این کلمات به این شکلها درمی‌آیند:

bagra:ftak, bja:stak, bra:ftak

تنها کلمه bga به صورت bgoft-ak تلفظ می‌شود.

۲-۶-۳-۳-۳ در سایر واژه‌ها:

xt, št, st, ft پایانی

۱-۲-۶-۳-۳-۳ واژه (دست) t پایانی خود را از دست داده، به شکل da:s در آمده است و در برخورد با واکه هم t بر نمی‌گردد. در بقیه کلمات t پایانی قبل از واکه کلمه بعدی برمی‌گردد.

۳-۳-۳-۲-۲ اگر گروههای صامت فوق در زنجیره گفتار با واژه پس از خود، آرایش واجی -VCCCCV- داشته باشند، گاهی پس از صامت دوم (ð) افزوده می‌شود. گونه آزاد دیگر نیز، آن است که t در چنین وضعیتی از زنجیره گفتار حذف شود:

گوشت نمی‌خواهید؟ gošt-ð-nmexâe? داشت می‌آمد. dešt-ð-myo:ma. وجه ۱
 گوš-nmexâe? deš-myo:ma. وجه ۲

۳-۳-۳-۲-۲ اگر گروههای صامت بالا، با واژه پس از خود آرایش واجی -VCC(C)V- داشته باشند، صامت دوم t به d بدل می‌شود:

(ja:xt) pašt، سفارش (پشت)

خدا نکند بچه تن به چوب بدهد. xodâ nakna go:ča pašt va čow kona.
 محمد را سفارش کنی. ma:mad a ja:xd koni.

۳-۳-۳-۷ z

z پایانی در واژه‌های ro:z (روز) و nimro:z (نیم‌روز، ظهر) پیش از سکوت و پیش از صامت می‌افتد اما اگر واژه دوم به معنای سیستان باشد هرگز z حذف نمی‌شود.

molk-e nimro:z

۳-۳-۸ حذف d و de و nd

صامت d از پایان برخی واژه‌ها پس از مصوت و صامت حذف می‌شود و مصوت قبل از آن گاهی کشیده می‌شود:

فارسی	زابلی
sefid	sve: سفید
ostâd	ostâ استاد
lagad	laqa: لگد
← čand	čen (وقتی صفت باشد و پیش از صامت بیاید)

در واژه زیر دو صامت پایانی حذف شده است.

← boland (پیش از سکوت یا پیش از صامت) ble: بلند

۳-۳-۸-۱ بیشتر حذفهای d پایانی مربوط به فعلهایی است که در آنها بن ماضی به id ختم می‌شود، تعداد این فعلها نزدیک به ۵۰ تا است:

زابلی	فارسی
بخشید ba:xšī	baxšid
بالید bāli	bālid
برید borri	borrid

۳-۳-۸-۲ حذف d پایانی در بقیه فعلها، از باقی فعلهایی هم که به d ختم می‌شوند در ۳-ش.م. ماضی ساده و استمراری d و همخوان احتمالی پیش از d حذف می‌شود: (این فعلها گونه آزاد همراه با d نیز دارند که دارای ویژگیهایی چشمگیر است و در بخش فعل خواهد آمد.)

زد bza	zad
آورد byâva	âvard+
آمد byo:ma	âmad
ایستاد bestâ	istâd

۳-۳-۹ n

حذف n پایانی پس از مصوت گروه زیادی از واژه‌ها را شامل می‌شود و تنها واژه‌های اندکی از این حذف مستثنی است. جای خالی n معمولاً با کشش مصوت پر می‌شود. در صورتی که پس از کلمه‌ای که n از آن حذف شده کلمه‌ای بیاید که با مصوت شروع شود دو حالت پیش می‌آید. اگر مصوت کوتاه باشد n برمی‌گردد و کشش جبرانی نیز از بین می‌رود، اما اگر واکه بلند باشد n برمی‌گردد اما کشش از بین نمی‌رود.

	a → raftana
	o → raftano
	e → raftane
rafta:	i → rafta:ni
	â → rafta:nâ
	ey → rafta:ney
	ow → rafta:now

اگر مصدر پیش از ham بیاید به یکی از دو صورت زیر، تلفظ می‌شود:

rafta:a:

raftana:

۳-۳-۹-۱ استثنا: اگر کشیدگی مصوت حاصل جمع hâ(=â) علامت جمع و ham(a:) باشد

هر دو کشش می‌ماند به این شکل:

raftan+hâ+ham→rafta:na: βar me sa:xta. (رفتن‌ها هم برای من سخت است.)

۳-۳-۴ جابه‌جایی

این فرایند، بیشتر حاصل تغییر جای صامت‌هاست که گاه به تنهایی اعمال می‌شود و گاه نیز همراه با افزونی و کاستی و دگرگونی است.

فارسی	زابلی
nešastan	nešasta:نشستن
ketf	keftکتف
digar	gdaدیگر
baxš	ba:šxبخش
gošâd	škâdگشاد
ezrâi:l	azlâi:rعزرائیل
pasand	spendپسند
nabz	nazmنبض (همراه با دگرگونی همخوان)
pirâhan	peyna:rپیراهن
laʔnat	na:latلعنت

کتابنامه

عمرانی، غلامرضا، ۱۳۷۵. «توصیف واجی گویش سیستان (حوزه مرکزی شهر زابل)»، مجله زبانشناسی، سال سیزدهم، ش ۱ و ۲

Weryho, Jan, W. 1962. "Sistan-Persian folklore, *Indo-Iranian Journal*", 5.